

ویگانه

ماهنامه محلی کرمانشاه

ویژه شهرداری کرمانشاه

نوروز ۱۴۰۳



سازمان فرهنگ و عبادت کشور



والله اصحاب النهر حول دارواحوالهم ما فعلت ائمة البراءة من احوالهم

به نام خدای بخشنده و مهربان

سلامی به زلالی روح پاک و مهربان شما کودکان عزیز سرزمینم.
اکنون که در هم آمیخته شدن بهار طبیعت و بهار قرآن را با هم جشن
می گیریم از طریق این ویژه نامه با شما سخن می گویم و به تک تک شما
که سرزمینم ایران را دوست دارید و به کرمانشاه سفر کرده اید افتخار
می کنم.



ما بسیار خرسندیم که میزبان شما عزیزان در کرمانشاه، دروازه کربلا، سرزمین شیرین و
فرهاد، دیار نخبگان علمی و فرهنگی و سرزمین زیبایی های طبیعی هستیم.
امیدواریم که در این سفر ضمن آشنایی با فرهنگ و تاریخ غنی کرمانشاه سفری خوش داشته
باشید.

دکتر نادر نوروزی
شهردار کرمانشاه

مدیر مسئول و صاحب امتیاز: عبدالله مرادی بلشتی / مدیر اجرایی: فرنگیس صفری / سردبیر: پریسا وکیلی
مدیر هنری: فائزه مظفری / مدیر تحریریه: بیوند فرهادی / طرح جلد: فائزه مظفری
لینوگرافی: حافظ / چاپ آزادگان / ویلکان شماره ۳۳ / تیراژ ۱۰۰۰۰ نسخه / قیمت ۲۰ هزار تومان
سازمان فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری کرمانشاه حامی این شماره از مجله ویلکان بوده است.
نشانی: کرمانشاه، خیابان مدرس، روبروی مسجد جامع، مجتمع ایران طبقه دوم واحد ۷۲
حق چاپ محفوظ است و برداشت از مطالب نشریه منوط به اجازه می باشد



آقای آتش نشان

آقای آتش نشان
 شجاعه مثل شیره
 اگه خدانکرده
 جای آتیش بگیریه
 به اون محل با سرعت
 خودش رو می رسونه
 به هر کسی که اونجاست
 او یاری می رسونه

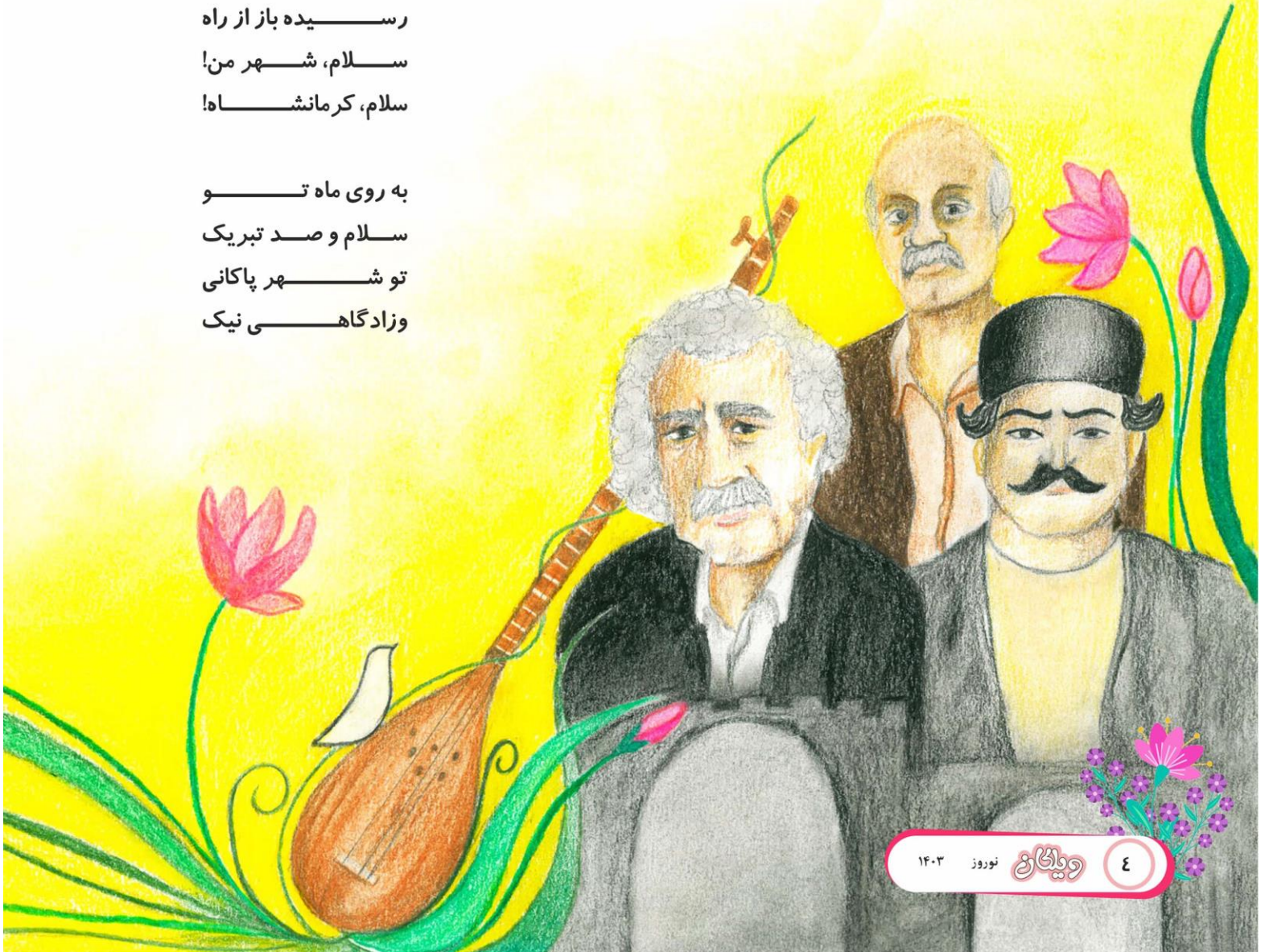
خاموش همیشه آتیشا
 با ماشین و شلنگش
 هر کسی خوشحال میشه
 ازین کار قشنگش
 چون آدم ها براش
 با ارزشه مثل گنج
 شماره ی ایشون هم
 میشه صد و بیست و پنج

شاعر: زهره پناهی
 تصویرگر: سارا جمادی

سلام شهر من

بهار زیـــــــــــــــــبایت
رســـــــــــــــــیده باز از راه
سلام، شهر من!
سلام، کرمانشاه!

به روی ماه تـــــــــــــــــو
سلام و صد تبریک
تو شهر پاکانی
وزادگاهــــــــــــــــی نیک



نهفته است آری
چه گنج هادر تو
غزل غزل شاعر
معینی، و «پرتو»

قسم به آوایت
به ساز تنبورت
به آسمان پاک
و ماه پرنورت

نوادگان تو
همه هنرمندند
شبیبه «گلزارت»
یل و برومندند

اصیلی و خوشنام
تو مهد فرهنگی
چقدر زیبایی
تو رنگ در رنگی

شاعر: بیوند فرهادی
تصویرگر: آنیئا شربنی





مهمان لک لک

لک لک گفت: خوش آمدی. اگر خسته نیستی و حوصله داری بیا بریم توی شهر کرمانشاه گشتی بزنیم.

هوברה گفت: نه خسته نیستم خیلی هم خوشحال می شوم. برویم. شنیدم کرمانشاه جاهای زیبا و دیدنی زیادی دارد.

لک لک گفت: دنبال من به سمت کوه طاق بستان پرواز کن.

لک لک و هوברה به نزدیک کوه که رسیدند لک لک رفت روی یک چنار بزرگ و کهن سال نشست روبه هوברה کرد و گفت: این دریاچه زیبا و پر از ماهی را که می بینی دریاچه طاق بستان است که سنگ نگاره های طاق بستان را شاهان ساسانی در کنار آن بر روی سنگ های کوه حجاری کرده اند.

لک لک کنار رودخانه قره سو مشغول قدم زدن بود و نیم نگاهی به لای علف ها و زیر آب می انداخت تا ببیند ماهی یا قورباغه چاق و چله ای می بیند که نهارش جور شود.

کمی آن طرف تر لک لکی را دید که قیافه و اندامش کمی متفاوت از دیگر دوستان و فامیل های لک لکش بود.

جلو رفت و گفت: شما لک لک هستید؟! تا حالا شما را این نزدیکی ها ندیده بودم.

پرنده روبه لک لک کرد و گفت: نه من «هوברה» هستم.

لک لک گفت: هوברה؟! اهل اینجا ای؟

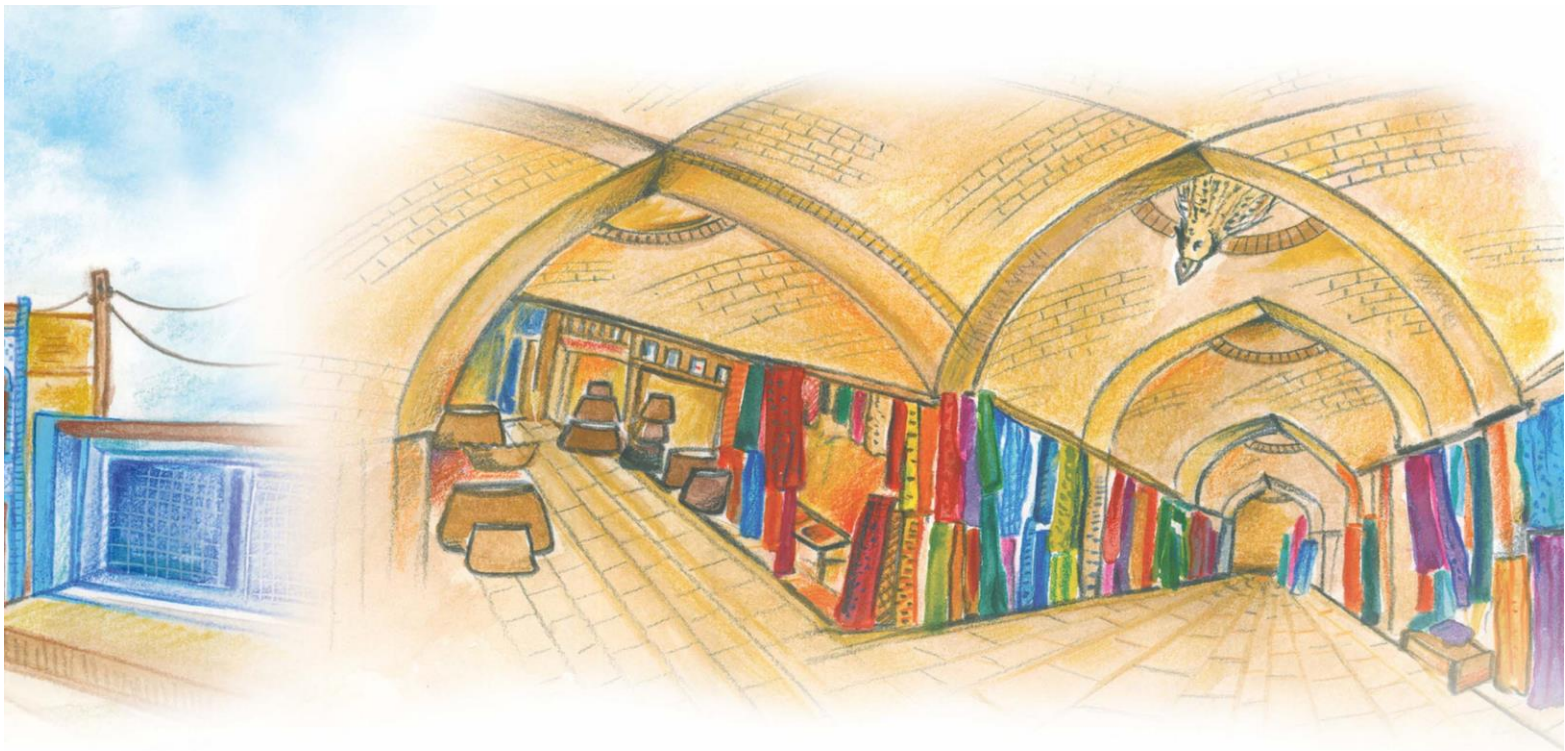
هوברה گفت: نه. من پرنده مهاجر هستم و چند وقتی مهمان شما هستم.





هویره گفت: چقدر زیبا و باشکوه است. اگر پایین برویم آدمها شکارمان نمی کنند؟
لک لک گفت: نه بیا برویم از نزدیک ببین .
بعد از مدتی لک لک جلو افتاد و از بالای بلوار بلند و زیبای طاق بستان عبور کردند و به سمت مرکز شهر پرواز کردند.
اوج گرفتند و بالا رفتند. رفتند تا به خیابان مدرس رسیدند.

لک لک گفت: این بنا را که می بینی یک گنبد زیبا دارد، تکیه بیگلربیگی است که از بناهای زیبا و قدیمی کرمانشاه است. چرخ زدن و از بالا حیاط زیبا و معماری تکیه را دیدند و به سمت بازار سنتی کرمانشاه (تاریکه بازار) رفتند.



بازارها هم ادامه همان بازار سنتی هستند که بخشی ادویه و دیگر ملزومات زندگی را می فروشند و در بخش پایینی بازار آهنگران است. حالا به سمت راست پرواز کن تا برویم و یکی از زیباترین بناهایی را که تا به حال دیده‌ای به تو نشان بدهم .

کمی که به جهت راست پرواز کردند یک بنای کاشی کاری شده بزرگ را دیدند .

لک رفت روی ستون بلندی که با طرح لوزی های رنگی رنگی کاشی شده بود نشست و گفت: اینجا تکیه معاون الملک است .

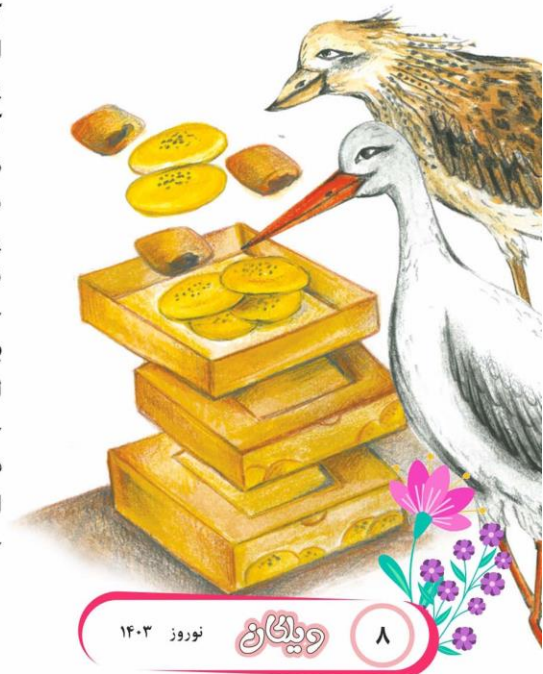
بنایی تاریخی و زیبا از دوره قاجار که در آن مراسم عزاداری برگزار می شده است. بیا برویم پایین تا از نزدیک کاشی های زیبا و متنوع آن را ببینیم .

لک گفت: اینجا بازار سنتی و قدیمی کرمانشاه است. می توانی مثل من سرت را از سوراخ های بالای سقف فرو کنی و بازار، پارچه های زیبا و رنگارنگ و صنایع دستی کرمانشاه را ببینی .

هویره سرش را از سوراخ سقف بازار که داخل برد چشم هایش هزار رنگ و برق پارچه های لباس کردی زنان کرد را که دید. شوکه شد. بالا آمد و گفت: اینجا چه خبر است!! بوی خوشی به دماغم خورد او بوی چه بود .

لک گفت: عطر نان برنجی، کاک و نان خرمایی است که با روغن کرمانشاهی تهیه می شود .

از بالای بازار اسلامی و بازار «چال حسن خان» که عبور می کردند لک گفت: این





هوברה که قدم زنان به کاشی‌های متنوع و زیبای تکیه نگاه می‌کرد گفت: اون داخل چیه؟

لک لک گفت: این بنا شامل دو حیاط و چند ساختمان و سالن است. حیف نمی‌شود داخل برویم و از سه بخش حسینییه، زینبیه و عباسیه دیدن کنیم. ولی آدم‌ها راحت می‌روند و از دیدن این فضاها لذت می‌برند.

آفتاب آرام آرام داشت غروب می‌کرد و با تابیدن به ابرهای بهاری تکه تکه غروبی زیبا را نقاشی کرده بود. لک لک گفت: بیا برگردیم تا دیر نشده به لانه برویم فردا می‌آییم سراب قنبر، مسجد عماد الدوله و بافت‌های تاریخی شهر را می‌بینیم و می‌برمت تا سراب نیلوفر زیبا را هم ببینی.

هوברה روبه لک لک کرد و گفت: خیلی خوش گذشت توهم اگر یزد آمدی تو را می‌برم بادگیرها و جاهای دیدنی را نشانت می‌دهم.

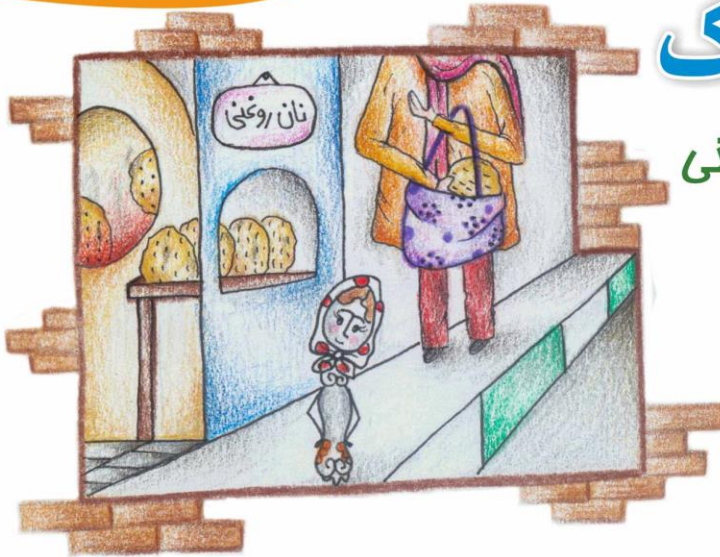
نویسنده: عبدالله مرادی

تصویرگر: زهرا منتظری

تیان و چمچک

کرمانشاه: شهر فلاق فوراک یونسکو

نان روغنی



ماه رمضان که شروع می شود، خانم خانه عصرها کیسه پارچه‌ای جای نان را برمی دارد و بیرون می رود. موقع برگشت یک جور نان گرد سوراخ سوراخ می آورد تا بعد از اذان با شیر و خرما افطار کنند.

کنجکاوای چمچک گل کرد و گفت: من باید ببینم این نان را از کجا می خرند. شاید بتوانیم درستش کنیم.

خودش را توی ساک پارچه‌ای انداخت. از چند کوچه و خیابان گذشتند. به مغازه کوچکی رسیدند که چند نفر توی صف ایستاده بودند. به محض اینکه جلوی مغازه رسیدند و خانم دست برد که کیفش را بیرون بیاورد چمچک خودش را انداخت داخل مغازه.

خانم گفت: لطفاً یک عدد نان روغنی. نان را گرفت و رفت. چمچک حالا فهمیده بود که اینجا مغازه نان روغنی پزی است.

خانم خانه که برگشت و خواست سفره افطاری را بچیند متوجه غیبت چمچک شد. هرچه فکر می کرد روی میز کنار دیوار گذاشته خودش ولی حالا نبود.

فردا که برای خرید نان روغنی رفت دید که چمچک با نقش و نگارهای منحصر به فردش کنار دست شاطر نان روغنی نشسته است.

تا آمد بگوید: ببخشید فکر کنم اون چمچک مال ما است.

شاطر گفت: فکر کنم این چمچک دیروز از ساک شما افتاده بود. خانم همراه بانان روغنی چمچک را برگرداند. تیان و بقیه وسایل آمدند ببینند سفر هیجانی چمچک چطور بوده است.

چمچک شروع به تعریف کرد: این نان که خانم می آورد نان روغنی سنتی کرمانشاهی است. تیان گفت: یاد گرفتی چطور درستش کنیم؟

چمچک گفت: این نانواهایی که من رفتم به تنور بزرگ و داغ داشت. حلب روغن کرمانشاهی را آورد کمی نزدیک تنور گذاشت که هم دمای محیط و نرم بشود.

مقداری شکر را در آب یخ حل کرد و بعد روغن را اضافه کرد آرام آرام آرد الک شده را به محلول اضافه کرد.

حدوداً ۲۰ دقیقه‌ای خمیر را ورز داد تا کاملاً لطیف بشود و دیگر به دست نچسبد.

بعد از چند دقیقه که نان روغنی‌ها طلائی رنگ شدند آنها را از تنور بیرون می‌آورد و به مشطری‌ها می‌داد و می‌گفت: نگید خشکه! نان روغنی سنتی کرمانشاه ترد و شکننده است.

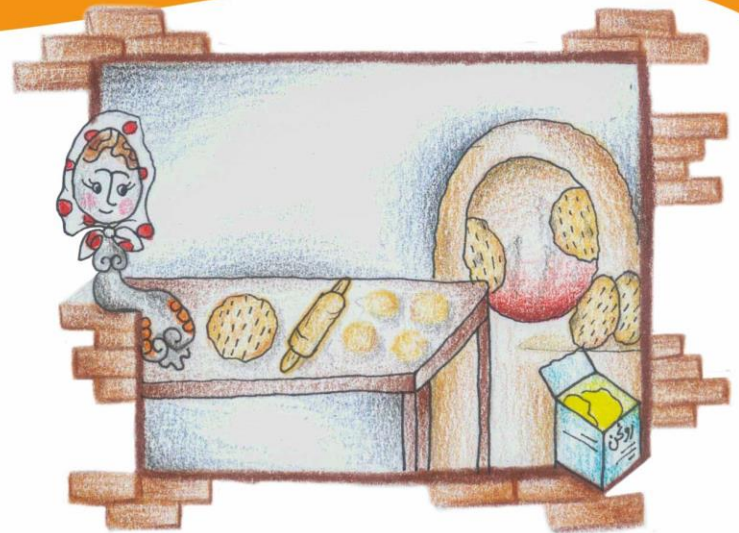
تیان گفت: ما با نداشتن تنور نمی‌توانیم نان روغنی درست کنیم.

چمچک گفت: احتمالاً بتوانیم! چون یه خانم از آقای شاطر پرسید و گفت: میشه این نان را توی فر هم درست کرد؟ آقای شاطر گفت: آره فقط باید در دمای ۱۸۰ درجه به مدت ۲۰ تا ۲۵ دقیقه قرار بدید تا برشته بشود.

تیان گفت: آخ جون پس ما هم درستش می‌کنیم ببینیم خانم نان روغنی ما را می‌پسندند یا بازم میره از نان روغنی تنوری خرید می‌کنه.

نویسنده: عبدالله مرادی

تصویرگر: نیلوفر الماسی تبار



تنور بزرگش را روشن کرد خمیرها را به شکل گلوله‌های تقریباً بزرگ تقسیم کرد و چید روی آردی که روی میز ریخته بود. خمیرها را یکی یکی با وردنه روی تخته کارش پهن کرد.

دایره‌ای با قطر حدوداً ۲۰ سانتی‌متر و ضخامت یک سانتیمتر درست شد. با یک وسیله شانه مانند سوراخهای منظمی روی خمیر ایجاد کرد. خمیر را روی بالشتک گرد پارچه‌ای انداخت که دستش از پایین توی آن بالشتک رفته بود. بعد رفت سمت تنور.

من از ترس چشمم را بستم.

تیان گفت: چرا مگه چی دیدی؟

چمچک گفت: آقای شاطر رفت توی تنور روشن تا خمیر را به بدنه تنور بچسباند.

تیان گفت: عجب کار خطرناکی.

چمچک گفت: اما خوشبختانه چیزی نشد و بعد از چسباندن نان به تنور با سرعت و مهارت بالا آمد.



بازار سنتی کرمانشاه

بازار سنتی کرمانشاه هم جنبه گردشگری و تاریخی دارد هم محل کسب و کار مردم است که بخش زیادی از خریدهای مردم در این بازار انجام می‌شود. این بازار در زمان خود یکی از طولانی‌ترین بازارهای سرپوشیده خاورمیانه بوده است که قدمت آن به دوره زندیه می‌رسد.

بازار بزرگ کرمانشاه در اوایل دوره قاجاریه تکمیل شد و رونق گرفت که همچنان پویایی خود را حفظ کرده و نقش مهمی در اقتصاد این شهر و شهرهای همجوار آن دارد.



یادمان شهدای گمنام

شهدای گمنام در مجموعه پارک کوهستان کرمانشاه در موقعیت بسیار زیبا و استثنایی قرار دارد و جای بسیار فرحبخش و چشم نوازی است که بر بخش وسیعی از شهر زیبای کرمانشاه اشرف دارد.



گردشگری کن عکس بگیر،

بفرست و جایزه بگیر

برای بچه‌های باهوش یک مسابقه جایزه‌های نفیس داریم. به بازدید این اماکن دیدنی کلانشهر کرمانشاه بروید تصاویر نشانه داخل دایره آبی را در هر مکان پیدا کنید. از خودتان با آن نشانه‌ها عکس بگیرید و برای ما ارسال کنید. به قیدقرعه به ۵ نفر از کسانی که با هر هفت نشانه برای ما عکس ارسال کنند جوایز نفیسی اهدا خواهیم کرد.

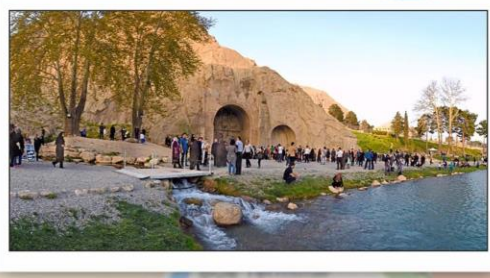
عکس‌ها را از طریق یکی از

پیام رسان‌ها برای شماره

۰۹۱۹۹۱۷۷۱۳۴ ارسال کنید.

طاق بستان

(طاق وه سان)
یا تاق بستان



طاق بستان مجموعه‌ای تاریخی - باستانی از کتیبه‌ها، سنگ نوشته‌ها و سنگ نگاره‌هایی است که بیشتر ساسانی هستند و در شمال شهر کرمانشاه بنا شده است. مجموعه طاق بستان در اوایل سده سوم میلادی، ساخته شده و از نظر تاریخی ارزش بسیار زیادی دارد.

تاج گذاری خسرو پرویز، تاج گذاری اردشیر دوم، تاج گذاری شاهپور دوم و سوم، و همچنین چند سنگ نوشته و کتیبه به خط پهلوی، کتیبه‌ای مربوط به مراسم شکار گراز و گوزن به دست سوارکاران و شکارچیان شاهی و صحنه‌هایی از نواختن موسیقی با آلات موسیقی چنگ و... از جمله آثار و بخش‌هایی است که در این مجموعه حک شده و برای ایرانیان امروز به یادگار مانده است.

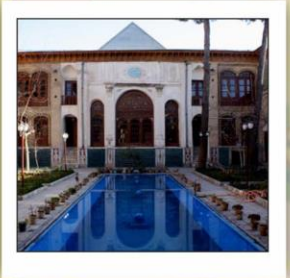
مسجد عمادالدوله

مسجدی از آثار دوره قاجاریه است که در دل بازار سنتی کرمانشاه قرار دارد. ساختمان نخستین مسجد در سال ۱۲۸۵ هـ.ق (۱۸۶۸ میلادی) توسط امامقلی میرزا عمادالدوله ساخته شده است. مسجد عمادالدوله به صورت چهارایوانی بنا شده و دارای سردر، صحن، ایوان، شبستان ستوندار و حجره‌های زیاد است.



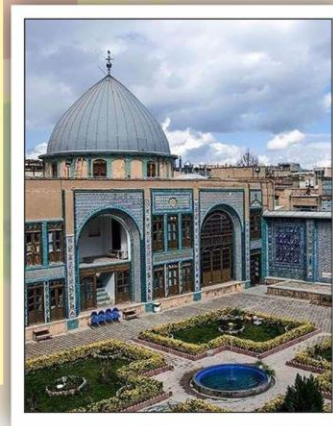
تکیه بیگلر بیگی

تکیه بیگلر بیگی بنایی ارزشمند در محله تاریخی کرمانشاه است. قدمتی از زمان قاجار دارد که توسط فردی به نام عبدالله خان ملقب به بیگلربیگی ساخته شده است و امروزه علاوه بر برگزاری مراسم عزاداری به صورت موزه کتابت و خوشنویسی و پارینه سنگی برای عموم بازدید کنندگان می باشد.



تکیه معاون الملک

تکیه معاون الملک سال ۱۲۸۱ هجری شمسی، توسط حسین خان معین‌الرعا بنا و سپس به همت حسن خان معین الملک تکمیل شد. این مجموعه از سه بخش اصلی حسینی، زینبیه و عباسیه تشکیل شده و کاشی کاری زیبای آن در جهان بی همتا است. این بنا از دوران قاجار به دلیل کارهای زیبای کاشی کاری‌هایش شهرت دارد. کاشی‌های این بنا با رنگ‌های طبیعی و برجسته ساخته شده‌اند و نقوش متنوعی از تاریخ ایران و اسلام را به تصویر می کشند.



پِلان

پلان یکی از بازی‌های جذاب است که شما کودکان همراه با بزرگترها در روزهای بهاری که تفریح می‌روید در کوهپایه و دشت‌ها می‌توانید انجام بدهید.

این بازی به صورت انفرادی یا تیمی انجام می‌گیرد. هر تیم یا هر نفر سه عدد سنگ بزرگ را به صورت عمودی نشانده که به آن دال گفته و در یک ردیف پشت هم به فاصله حدودی یک متر تا یک متر و نیم قرار دهید. همه اعضای تیم‌ها با در دست داشتن قلوه سنگ پشت خطی قرار گیرید که با سنگ اول فاصله‌ای ۸ تا ۱۰ متری دارد.



این بازی ادامه دارد و برای اینکه این اصطلاحات را به عدد تبدیل کنید و برنده در نهایت مشخص شود می توانید هر ((نمرد)) را سه امتیاز و هر ((تویل)) را یک امتیاز در نظر بگیرید.

نویسنده: عبدالله مرادی
تصویرگر: هستی امیری

قلوه سنگ هایی به اندازه کف دست را به سمت سنگ هایی که تیم مقابل چیده پرتاب کنید. هرکس می تواند یک سنگ پرتاب کند و در صورت زدن یکی از دال ها جایزه اش پرتاب سنگ بعدی است. هر تیم بتواند سه سنگ تیم حریف را زودتر بیندازد بازی را برنده شده است.

اگر هر سه سنگ یک تیم افتاده باشد و از تیم مقابل سنگی نیفتاده باشد امتیازشان یک ((نمرد)) می شود و اگر در قبال سه سنگ حریف یک یا دو سنگ از آنها هم افتاده باشد امتیاز یک ((تویل)) برایشان ثبت می شود.



جدول

سلام بچه های عزیز
جدول زیر رو کامل کنید

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		■						
			■					
				■			■	
	■				■			■
		■				■		
■			■				■	
	■			■				
					■			
						■		

۱
۲
۳
۴
۵
۶
۷
۸
۹

افقی

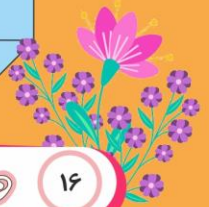
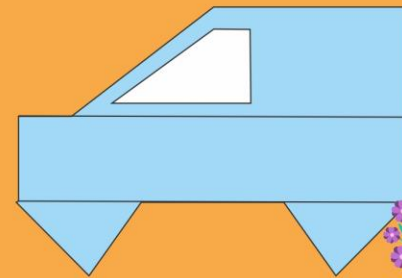
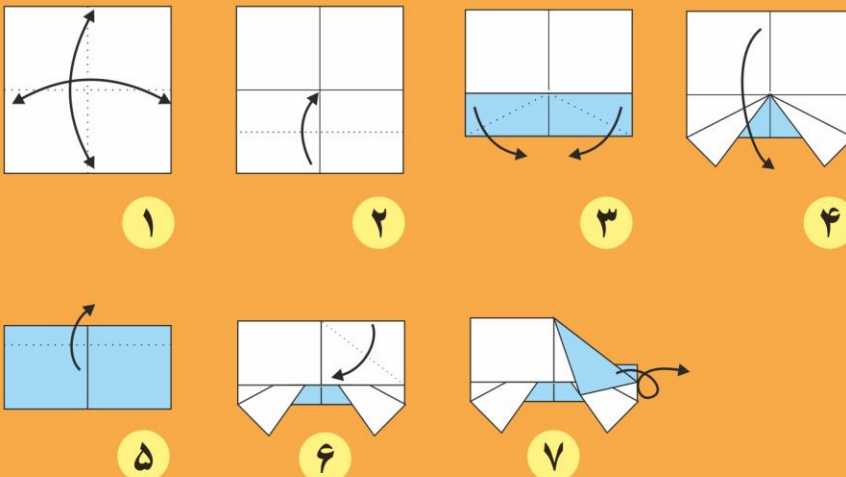
- ۱- از غذاهای محلی کرمانشاه- نشانه بیماری ۲- سرابی در نزدیکی کرمانشاه- در مدرسه می آموزیم ۳- یازده- شاعر نابینای کرمانشاهی ۴- مایه حیات- سال گذشته ۵- تردید- خاک کشاورزی را تقویت می کند- عضوی در بدن ۶- میوه نرسیده- از ضمیر ۷- جاری- علامت جمع ۸- دوست- شهری مرزی در استان کرمانشاه ۹- مقابل ماده- کوه فرهاد

عمودی

- ۱- ماه گرم- پارکی در کرمانشاه ۲- علامت مفعولی- عیب و عار- از پسوند ها ۳- مخالف بیداری- جوهر زندگی ۴- چین و شکن- معدن ۵- سازشاک- با آن خرید و فروش می کنیم- از آن طرف پول ژاپن است ۶- خوشحال- همراه هوی ۷- درخت اعدام- لینیات پرنسرف ۸- نیم سال تحصیلی- گذر عمر- تکرار یک حرف ۹- فراوان- جسم و پیکر

طراح جدول: رسول نادری

اورپیگامی



نوروز ۱۴۰۲

ویگانه

۱۶

قطعه کاشی مناسب را در جای خالی قرار دهید.



مبارزه «امیرالمومنین علی بن ابی طالب» با «عمر بن عبدود» در جنگ خندق یکی از مجموعه کاشی‌هایی است که در قسمت ورودی تکیه معاون الملک بالای در کار شده است.

حادثه کشته شدن عمر بن عبدود، توسط امام علی (ع) چنان مهم و سرنوشت ساز بود که پیامبر خدا (ص) فرمودند: مبارزه علی بن ابی طالب با عمر بن عبدود در جنگ خندق، از همه اعمال امتم تا روز قیامت، برتر است.

آرزوی وندی

بوته‌ی شمشاد حواسش به پلاستیک‌هایی بود که همراه باد به اطراف می‌رفتند. یکدفعه چیزی تالاق به شاخه‌هایش خورد و همانجا گیر کرد. شمشاد دردش آمد و گفت: آخ، یواش. تو کی هستی؟ سلام، ببخشید. من وندی‌ام. بطری کوچک آب معدنی. دنبال جعبه‌ی جادوی‌ام بودم که باد من را به اینجا آورد. راستی شما می‌دانید جعبه جادویی کجاست؟ شمشاد گفت: من نمی‌دانم جعبه جادویی چیست؟ راستی جعبه جادویی چه جادویی دارد؟ وندی همان‌طور که از بین شاخه‌ها داخل پارک را نگاه می‌کرد، گفت: جعبه جادویی می‌تواند من را به آرزویم برساند. او تلق تلق تکان می‌خورد تا از بین شاخه‌ها بیرون بیاید. یک موش سفید از راه رسید. موش، دم درازش را در دست‌هایش گرفت و گفت: وای، چه کلاه آبی قشنگی داری! کلاهت را به من می‌دهی؟ برای مامان موشی که مریض است، آب ببرم. وندی پُلُقی سرش را پایین کشید: این که کلاه نیست، دَرَم است. الان که آب ندارم، در نمی‌خواهم. مال تو. راستی تو می‌دانی جعبه‌ی جادویی کجاست؟





موش همان طور که با دُمش در آبی رنگ را برمی داشت، گفت: نمی دانم! اما مامان موشی همه چیز را می داند. دنبالم بیا. بعد تَند دوید و رفت.

وَندی فریاد زد: آهای کجا رفتی؟ بعد تالاق به زمین خورد و بدون خداحافظی از شمشاد، تلق تلق به راه افتاد.

وَندی دنبال موش رفت تا به آخر صف شمشادها رسید. دوروبرش را نگاه می کرد که چشمش به جعبه ی جادویی بزرگی افتاد. درست آن طرف حوض گرد وسط پارک، شبیه جعبه های جادویی که قبلا جلوی یخچال سوپری دیده بود.

وَندی خندید و تندی خودش را به جعبه ی جادویی رساند. بعد پرید تا توی آن برود. اما نتوانست و تالاقی به زمین خورد. دوباره پرید، اما باز هم نشد. او از ناراحتی سرش را توی خودش کشید: جعبه های جادویی سوپری اینقدر بزرگ نبودند!

چی کار میکنی؟ وَندی به طرف صَدا چرخید: تویی موشی! جعبه جادویی را پیدا کردم، فقط نمی توانم داخلش بپریم.

موش گفت: کو، کجاست؟

وَندی آهی کشید: همین جعبه ی بالای سَرمَمان! علامتش را ببین!

موش سرش را با دمش خاراند: اینکه کاری ندارد. «بعد دم درازش را دور وندی پیچاند. همانطور که از جعبه بالا می رفت، پرسید: راستی، این جعبه چه جادویی دارد؟ من دوست دارم یک آبپاش باشم. آقای سوپری همیشه با آبپاش به شمشادهای باغچه ی جلوی سوپری آب می داد. در جعبه ی جادویی پلاستیک ها برای بازیافت جمع می شوند تا به آرزویشان برسند. موش او را داخل جعبه انداخت و گفت: حتما به آرزویت می رسی.

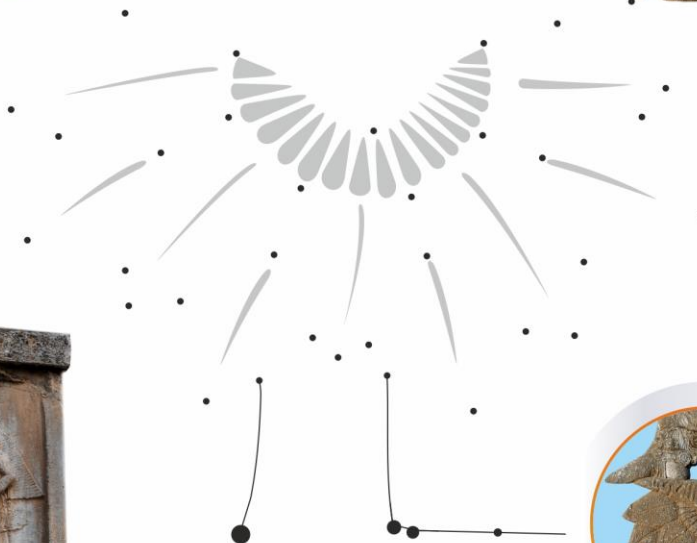
وَندی همین که داخل جعبه ی جادویی افتاد، با خوشحالی فریاد زد: سلام، من وَندی ام. دلم می خواهد یک آبپاش بشوم.

نویسنده: مزگان بقایی پور
تصویرگر: آبتنا شربتی



نقطه چین

نقاط مشکی را بر اساس تصویر گل نیلوفری که پایین صفحه می بینید به هم وصل کن و آن را رنگ آمیزی کن.



در طاق بستان، آثاری از دوره ساسانی وجود دارد که چند صحنه تاریخی از جمله تاج گذاری خسرو پرویز، تاج گذاری اردشیر دوم، تاج گذاری شاهپور دوم و سوم و همچنین چند کتیبه (سنگ نبشته) در آن کنده کاری شده است.

این نقش برجسته، موسوم به اردشیر دوم هست که در کنار طاق کوچک در طاق بستان قرار دارد. در کتیبه تاج گذاری اردشیر دوم ساسانی، پیکر سمت راست فروهر، پیکر میانی اردشیر دوم ساسانی و پیکر سمت چپ الهه میترا (مهر) هست. در زیر پای الهه میترا گل نیلوفر قرار گرفته است.



نیلوفر ایرانی نماد گردشگری شهری کرمانشاه است. کرمانشاه با شعار «کرمانشاه دوستدار شما» و رنگ گل نیلوفر است که نماد صلح، وحدت، شور، عشق، مذهب و انسانهای رنج کشیده‌ای است که به دنبال هدف متعالی هستند.

کرمانشاه مهد نیلوفر ایرانی است که در سنگ نگاره‌های طاق بستان نقش بسته در سراب نیلوفر و سراب سبز علی (تالاب هشیلان) می روید.



شماره تماس ضروری هر کدام را دنبال و پیدا کن

هلال احمر

برای درخواست کمک و یا دریافت خدمات تخصصی و امدادی



مدیریت راهها

اطلاع رسانی به مسافران است در مورد آخرین وضعیت راههای بین شهری



اورژانس

در زمان نیاز به فوریت‌های پزشکی و پیش بیمارستانی



مرکز پلیس

در زمان بروز هر مشکلی که نیاز به حضور پلیس داشته باشد



شرکت برق

در زمان قطع برق و بروز مشکلاتی برای شبکه برق شهر



آتش نشانی

در زمان وقوع حوادثی مانند آتش سوزی



شهرداری

مشاهده مشکلات شهری و یا پیشنهادات در زمینه‌های مختلف خدمات شهری



۱۱۵

۱۲۱

۱۲۵

۱۱۲

۱۳۷

۱۴۱

۱۱۰



تصویرگر: طاهره سعیدی

در دو تصویر بالا، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. آن‌ها را پیدا کن و در موردشان بنویس.....

سلام بچه های گلم
خاطره ی قشنگت رو از سفر به کرمانشاه بنویس
و یکی از جاهای دیدنی کرمانشاه رو نقاشی کن



تصویر نقاشی و خاطره را از طریق یکی از پیام رسانها
برای شماره ۰۹۱۹۹۱۷۷۱۳۴ ارسال کنید.
به بهترین نقاشیها و خاطرهها جوایزی داده می شود.



*Tag Bostan International
Shahnameh Reading Festival
In 2 parts of reading Shahnameh,
Kurdish and Persian*

Entazar Hall, Kermanshah, Iran, Spring 2024
ایران / کرمانشاه / تالار انتظار / بهار ۱۴۰۳

شاهنامه خوانی

طاق بستان
چهارمین المپی در بخش شاهنامه خوانی کردی و فارسی

مرحله اول (غیر حضوری): ارسال آثار ویدئویی بصورت تصویربرداری افقی کمتر از ۵ دقیقه
به شماره تلگرام: ۰۹۳۷ ۸۶۷ ۲۹۸۱ یا shahnameh.kermanshah2024@gmail.com
پشتیبانی و دبیرخانه: ۰۹۹۰ ۷۸ ۶۵۷۶۱ از ۱۴۰۲/۱۱/۲۲ الی ۱۴۰۳/۰۱/۱۵
مرحله دوم: مسابقه حضوری با شرکت ۱۰ شاهنامه خوان برتر در هر بخش در تاریخ ۱۴۰۳/۰۲/۲۴
اختتامیه و اهدای جوایز ۱۴۰۳/۰۲/۲۵ همزمان با مراسم بزرگداشت حکیم ابوالقاسم فردوسی

